

عین‌الیقین^۱ برسد و وجود او بسیار متعالی شود؛ زیرا فضل الهی، همانند کیمیایی حقیقی، وجه مادی نفس انسان را که مانند مس است، به زر بدل می‌کند؛ یعنی منور می‌سازد، هرچند که در برابر قدرت تام حق، هر کیمیا و جمیع علوم خفیه هیچ‌اند. هنگامی که ثنای حق را می‌گوییم، در واقع وجود خود را به عنوان وجودی مستقل و جدا از حق می‌یابیم؛ پس این ثنا، ثنای حق نیست؛ زیرا بنده‌ای که به حق اتصال یافته چنان در او مستغرق است که نمی‌تواند ثنا بگوید: «این ثنا گفتن ز من ترک ثناست»؛ زیرا نشان هستی موهومی است که در تقابل با هستی حقیقی، خطا به شمار می‌آید؛ چون در مقایسه با ذات هستی چنان بی‌قدر است که باید در حق محو شود.

اگر وزیر مکار حقیقت را می‌دید، از این همه تاریکی و افسردگی نجات می‌یافت؛ اما او هم مانند شاه جهود غافل و جاهل بود و با خداوند خصومت می‌ورزید؛ زیرا از عوالم روحانی و معنوی بی‌خبر بود و نمی‌دانست که بسیار عظیم‌تر از عالم محسوس‌اند؛ و در تقابل با قدرت حق، ذره هم محسوب نمی‌شوند. در مبارزه با موسی^ع، توانمندی فرعون در برابر قدرت حق هیچ بود که موفق نشد، همان‌طور که در تاریخ بشر پزشکان نامداری، همانند جالینوس^۲ بوده‌اند؛ و هرگز نتوانسته‌اند مرده‌ای را زنده کنند؛ ولی به اراده الهی، عیسی^ع این کار را کرد. همچنین می‌توانیم به شعر اشاره کنیم که اعراب در دوران جاهلیت بدان مباهات داشتند و ابیاتی از شاعر معروف لبید بن ربیع بن عامر بن صعصعه را که اعجاز می‌شمردند بر در کعبه آویخته بودند؛ اما همین شاعر از خواندن آیات اولیة سوره بقره، چنان شگفت‌زده شد که اسلام آورد و گفت: این کلام، سخن بشر نیست و حقیقتاً وحی الهی است.

در تقابل با چنین خداوندی قادری، ادعای هستی و دم زدن از آن جهل است و از آنجا که قوانین دقیق آفرینش، جز قدرت مطلق الهی، هیچ قدرت دیگری را نمی‌پذیرد، هر کس را که در برابر عقل کُل، دم از عقل و هستی بزند، در دام افکار باطل می‌افکند و چون پرکاهی در مسیر تندباد حوادث و تقدیر سرگردان می‌کند؛ اما راه وصول به حق، تیزهوشی و فراست دنیوی نیست، انکسار و تواضع است. چه بسا که از امرای قصه پادشاه جهود، عده‌ای هم

۱. عین‌الیقین: مرحله‌ای که سالک به شهود حقایق نایل شود.

۲. جالینوس: پزشک معروف یونانی. (سال وفات وی حدود ۲۱۰ میلادی است).

۳. اشارتی قرآنی؛ آل عمران: ۴۹/۳.